

مقاله پژوهشی

مقدمه‌ای بر پیوندهای فرهنگی-اجتماعی شمال باختری و جنوب خاوری فلات ایران دوران مفرغ؛ مطالعه موردی سفالینه‌های منقوش

مژگان آقابابایی^{۱*}، بهرام آجورلو^۲

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، پروژه باستان‌شناسی قراداغ، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۳

چکیده

چگونگی پیوندها و تشابهات فرهنگی-اجتماعی مردمان پهنه‌های گوناگون فلات ایران پیش از تاریخ پایانی، از مسائل مهم باستان‌شناسی ایران است. با وجود شرایط اقلیمی متفاوت، فاصله جغرافیایی و هم‌جواری بودن مناطق شمال باختری و جنوب خاوری ایران با یکدیگر، براساس شواهد باستان‌شناختی و نقاشی‌های رنگی روی سفالینه‌ها، همگونی‌ها و شباهت‌های قابل توجهی در نقش‌مایه‌ها دیده می‌شود و بنابراین با این پرسش مواجه می‌شویم که علت این تشابهات چیست و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی بروز این تشابهات علی‌رغم بُعد جغرافیایی و ناهمگونی اقلیمی چه بوده است؟ در پاسخ بدین پرسش، فرضیه پیشنهادی این پژوهش این است که علی‌رغم نظریه «موزاییک اقوام و اقلیم» حسن طلائی که ناهمگونی اقلیمی و مسافتات بعید جغرافیایی در فلات ایران را سد و مانع هم‌گرایی فرهنگی در ایران روزگاران پیش از تاریخ می‌دانست، این تشابهات را می‌توان در چهارچوب نظریه «جامعه بزرگ شرق» شاپور رواسانی و «ساختارگرایی فرهنگی» لوی اشتروس تبیین کرد. طبقه‌بندی نقش‌مایه‌ها، اساس روش‌شناختی این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ نقوش روی سفالینه‌ها - براساس توصیف و دسته‌بندی گونه‌شناختی نقش‌مایه‌ها و گاه‌نگاری نسبی آن‌ها - به تفکیک مناطق طبقه‌بندی و در نهایت با هم مقایسه شده و وجوه اشتراک آن‌ها بررسی شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش، بافتار باستان‌شناختی (کانتکست) و نیز گونه‌شناسی فرم و شکل سفالینه‌ها بحث نشده است. همانند نقش‌مایه‌های سنت سفالگری دوران مفرغ در سرزمین‌های شمال باختری و جنوب خاوری فلات ایران، براساس نظریه جامعه بزرگ شرق رواسانی، بر وجود هم‌گرایی فرهنگی در دو جغرافیای متفاوت دلالت دارد که این هم‌گرایی در بستر نظریه مردم‌شناختی ساختارگرایی لوی اشتروس تفسیرپذیر است.

واژگان کلیدی: دوران مفرغ، فلات ایران، نظریه جامعه بزرگ شرق، نظریه موزائیک اقوام و اقلیم ایران پیشاتاریخ، ساختارگرایی لوی اشتروس.

مقدمه

نامیده شده است (طلائی، ۱۳۸۵؛ طلائی، ۱۳۹۷). در زمینه صنعت، فن ساخت و ریخته‌گری آلیاژ مفرغ در این دوره یک نوآوری مسلم در فلزگری به‌شمار می‌رود و هم‌زمان با آن شیوه‌های فنی سفالگری نیز متحول شده، چرخ سفالگری تند رواج می‌یابد (طلائی، ۱۳۹۷). شواهد باستان‌شناختی تحولات فرهنگی-اجتماعی دوران مفرغ در سراسر فلات ایران مشهود است و تشابهات و همانندی‌های نسبی در فن سفالگری و نقوش

در فلات ایران پیشاتاریخی، دوران مفرغ از حدود اوایل هزاره سوم تا میانه هزاره دوم پ. م. یعنی تقریباً برهه‌ای ۱۵۰۰ ساله را دربرمی‌گیرد که طی آن، فرایندهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی به سوی پیدایش و گسترش ساختارهای شهرنشینی حرکت می‌کند و این برهه به درستی انقلاب شهرنشینی

* نویسنده مسئول: ۰۹۲۰۷۱۵۲۳۵۱، aghababaeimojgan@yahoo.com

شاپور رواسانی (۱۳۷۰) و نظریه «ساختارگرایی فرهنگی» کلود لوی اشتروس (Lévi-Strauss, 1963) است. حسن طلائی (۱۳۸۵) از باستان‌شناسان پیشگامی است که پیوندها و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی بین پهنه‌های فرهنگی و جغرافیایی دور دست فلات ایران در دوران مفرغ را قابل تأیید نمی‌داند. از دیدگاه وی، فلات ایران پیش از تاریخ از اقلیم‌های گوناگون و به همان نسبت- از اقوام و فرهنگ‌های محلی مختلفی تشکیل یافته است که مراحل تطور فرهنگی و اجتماعی خود را در بستر این تفاوت‌های جغرافیایی طی کرده‌اند. این نظریه را می‌توان نظریه «موزائیک اقوام و اقالیم» نامید که به موجب آن، تحولات دوران مفرغ ایران به صورت ناهمگون و نامتوازن رخ داده است.

شاپور رواسانی (۱۳۷۰) در نظریه «جامعه بزرگ شرق»، برخلاف نظر حسن طلائی، فلات ایران را بخشی از هویت فرهنگی فراگیری می‌داند که از رود سند تا نیل و از کناره‌های سیردریا و آمودریا و سواحل جنوبی دریای سیاه، سواحل شرقی دریای سپید (مدیترانه) تا سواحل جنوبی خلیج فارس را دربرمی‌گیرد و در این سرزمین بزرگ، اجتماعات و جوامع چه به صورت ساکنان روستاها و شهرها و چه به صورت کوچ‌نشینان، طی هزاران سال زندگی مشترک، از نظر قومی و فرهنگی چنان به هم آمیخته‌اند که به هیچ صورت نمی‌توان مسائل مربوط به قومیت، فرهنگ و هنر، ادیان، تغییرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و به طور کلی تاریخ چند هزار ساله آنان را جدا از یکدیگر مطرح کرد. جامعه بزرگ شرق نتیجه پیوستگی و ادغام قومی و فرهنگی تمام اقوام، اجتماعات و جوامعی است که بر اساس مدارک باستان‌شناختی، دارای فرهنگ مشترک و واحدی بوده و تفاوت‌ها و تضادهای آن‌ها صرفاً به مثابه مسائل درونی یک جامعه بزرگ قلمداد می‌شود.

و در نهایت، مکتب «ساختارگرایی فرهنگی» کلود لوی اشتروس (Lévi-Strauss, 1963) به وجود ساختارهایی بنیادین و تغییرناپذیر در همه فرهنگ‌ها باور دارد که ذهنیت و شخصیت اعضای اجتماع و جامعه را شکل می‌دهد؛ بدین معنا که ویژگی ذهنی مشترک در ابنای بشر، در واقع نوعی ساختار مشترک یا مجموعه‌ای از ساختارهای ذهنی مشترک است که منجر به تشابهات فرهنگی در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون و دور از هم می‌شود. لوی اشتروس در پی اثبات آن است که ساخت اندیشه انسان یگانه بوده و به اعتقاد وی در کنه اذهان تمامی انسان‌ها یک ژرف ساخت عام و کلی وجود دارد که باعث می‌شود نحوه شناخت و اندیشه در میان مردمان سرتاسر جهان یکسان باشد و همین مشابهت ساختاری، در واقع الگوهای مشترک ذهنی را برمی‌سازد که منجر به بروز پدیده‌های فرهنگی مشابه در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت می‌شود.

و نقش‌مایه‌های سفالینه‌ها دیده می‌شود؛ این وضعیت را نوعاً می‌توان به روابط فرهنگی-اجتماعی نیز تعبیر کرد. در حدود ۲۰۰۰ پ. م. فرهنگ گسترده کورا-ارس در شمال‌باختری و فرهنگ شهرسوخته در جنوب‌خاوری که هر دو حدود هزار سال تفاوت داشت، متوقف می‌شود و شهرنشینی مشابه بین‌النهرین در این مناطق شکل نمی‌گیرد. همچنین تحولات فوق، نشان‌دهنده بروز تحولات فراگیر فرهنگی-اجتماعی در این مقطع زمانی است و هم‌زمانی نسبی آن در بیشتر مناطق فلات ایران از هر نظر قابل تأمل است (طلائی، ۱۳۸۵). شایان توجه است که در شمال‌باختری فلات ایران و در پیرامون دریاچه ارومیه سفال نخودی منقوش فرهنگ دوره مفرغ میانی هفتون VIB یا وان-ارومیه که جانشین فرهنگ کورا-ارس شده بود، دارای نقش‌مایه‌هایی است که تشابه آن‌ها با نقوش سفالینه‌های نخودی منقوش حوزه فرهنگی موسوم به ماوراءعیلام - شامل استان‌های امروزی کرمان و سیستان و بلوچستان در هزاره‌های چهارم و سوم پ. م. - قابل تأمل است.

مسئله پژوهش

پیشینه مردمان ایرانی و چیستی و چگونگی پیوندها و تشابهات فرهنگی-اجتماعی ساکنان پهنه‌های گوناگون فلات ایران پیش از تاریخ پایانی (حدود هزاره‌های ششم تا سوم پ. م.) از مسائل مهم سیر تاریخ فرهنگ و تمدن ایران است. در این پژوهش، به این مسئله پرداخته شده است که با وجود شرایط اقلیمی متفاوت، فاصله جغرافیایی و هم‌جواری بودن مناطق شمال‌باختری و جنوب‌خاوری ایران با یکدیگر، براساس شواهد باستان‌شناختی و نقاشی‌های رنگی روی سفالینه‌ها، همگونی‌ها و شباهت‌های قابل توجهی در نقش‌مایه‌ها دیده می‌شود و بنابراین با این پرسش مواجه می‌شویم که علت این تشابهات چیست و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی بروز این تشابهات علی‌رغم بُعد جغرافیایی و ناهمگونی اقلیمی چه بوده است؟ در پاسخ بدین پرسش، فرضیه پیشنهادی نگارندگان این است که برخلاف نظریه «موزائیک اقوام و اقالیم» حسن طلائی که ناهمگونی اقلیمی و مسافتات بعید جغرافیایی در فلات ایران را سد و مانع هم‌گرایی فرهنگی در ایران روزگاران پیش از تاریخ می‌داند، این تشابهات را می‌توان با تکیه بر نظریه «جامعه بزرگ شرق» شاپور رواسانی و نیز «ساختارگرایی فرهنگی» کلود لوی اشتروس تبیین کرد.

مبانی نظری

ابتنای مبانی نظری این پژوهش بر سه نظریه «موزائیک اقوام و اقالیم» حسن طلائی (۱۳۸۵)، نظریه «جامعه بزرگ شرق»

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش برپایه طبقه‌بندی نقش‌مایه‌ها استوار است. نقوش روی سفالینه‌ها -براساس توصیف و دسته‌بندی گونه‌شناختی نقش‌مایه‌ها و گاه‌نگاری نسبی آن‌ها- به تفکیک مناطق طبقه‌بندی و درنهایت با هم مقایسه می‌شود و وجوه اشتراک آن‌ها مورد کنکاش قرار می‌گیرد. نمونه‌های مورد مطالعه صرفاً از نوع نقاشی رنگی روی بدنه طیف نخودی است و تزیینات دیگر از جمله نقوش افزوده و کنده را شامل نمی‌شود. در این روند، روش پژوهشی پرکینز با عنوان «باستان‌شناسی قیاسی بین‌النهرین» اساس کار قرار گرفته است (Perkins, 1977). لازم به ذکر است که در این پژوهش، نگارندگان دربارهٔ بافتار باستان‌شناختی (Context) و نیز گونه‌شناسی فرم و شکل خود سفالینه‌ها بحث نکرده‌اند.

داده‌های پژوهش

نمونه‌های سفالینه‌های منقوش دوران مفرغ بررسی شده در این پژوهش، برگرفته از دو پهنهٔ جغرافیایی-فرهنگی یعنی مناطق شمال‌باختری و جنوب‌خاوری فلات ایران است (تصویر ۱) که تاکنون گزارشی از ارتباط مستقیم بین آن‌ها در بستر پیش‌ازتاریخ ارائه نشده و به‌نظر می‌رسد از دلایل قابل توجه عدم وجود این ارتباط، همجواری نبودن و نیز اقلیم متفاوت دو منطقه باشد.

دوران مفرغ شمال‌باختری به دو دورهٔ اصلی «مفرغ کهن» و «مفرغ پایانی» تقسیم می‌شود. دورهٔ مفرغ کهن با نام‌های «ماوراء قفقازیهٔ قدیم» یا «کورا-ارس» و دورهٔ مفرغ پایانی، به دلیل یافت‌شدن سفالینه‌های نخودی دورنگ و در مواردی رنگارنگ، با نام «فرهنگ وان-ارومیه» و گاهی «هفتون



تصویر ۱. نقشهٔ کشور ایران با مرزهای سیاسی کنونی، پهنه‌های شمال‌باختری و جنوب‌خاوری و ۱۰ کاوشگاه مطالعه‌شده در پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

VIB» نیز شناخته می‌شود (طلایی، ۱۳۸۵). پنج کاوشگاه کلیدی پهنهٔ شمال‌باختری که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته، عبارت است از: تپهٔ حسنلو، دینخواه‌تپه، گوی‌تپه و هفتون‌تپه واقع در غرب دریاچهٔ ارومیه در استان آذربایجان غربی و کاوشگاه یانیق‌تپه واقع در شرق دریاچهٔ ارومیه در استان آذربایجان شرقی. به غیر از سفالینه‌های گونهٔ خاکستری‌سیاه با تزیینات نقش‌کندهٔ پُر شده با خمیر سفید در قالب نقوش بسیار ساده تا تلفیقی پیچیده، نقش‌مایه‌هایی به شکل خط میخی، حلزونی، شاخ‌های پیچ‌درپیچ قوچ و خطوط منحنی شلاقی که از کاوشگاه یانیق‌تپه یافت شده است (طلایی، ۱۳۸۵، ۱۳۹۷؛ برنی، ۱۳۹۰)، سفالینه‌های به‌دست‌آمده از دیگر کاوشگاه‌های یادشده عموماً از گونهٔ نخودی است که در رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای و همچنین نارنجی دیده می‌شود. این سفالینه‌های چرخ‌ساز، دارای پخت ناکافی تا خوب است. خمیره گاهی بدون تمپر است، اما در مواردی تمپر شن، تلفیق کاه و شن و حتی ذرات میکا و دانه‌های آهک آشکارا به خمیره افزوده شده و این امر به شکل‌گیری سطوح نرم یا خشن ناهموار (نمونه‌های نامرغوب و دست‌ساز) انجامیده است. شیوه‌های پرداخت سطح سفالینه‌ها در قالب شیوهٔ دست‌مرطوب، مات و نیز داغ‌دارشدن سطح قبل از نقاشی است. سفالینه‌ها در اشکال کوزه، دیگ، سبو، کاسه، فنجان یا کاسهٔ کوچک، جام، بشقاب، لیوان، درپوش و ظروف تشت‌مانند ساخته شده‌اند (تصویر ۲).

نقوش با رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای، نارنجی، سفید، خاکستری و سیاه روی زمینهٔ بدون پوشش و گاهی با پوشش مات، براق، سفید، کرم‌رنگ، نخودی، قرمز، قهوه‌ای و خاکستری نقاشی شده است و در چهار گونهٔ هندسی، گیاهی، جانوری و انسانی جا می‌گیرد. نقش‌مایه‌های انسانی نخست در هفتون VIB نمایان می‌شود و فهرست رایج‌ترین انواع نقش‌مایه‌های هندسی در جدول ۱ آمده است. نقوش روی سطح بیرونی ظرف (عمدتاً در قسمت یک‌سوم یا نیمهٔ بالایی) و سطوح بیرونی و داخلی کاسه‌ها نقاشی شده است (آجورلو، ۱۳۹۱؛ برنی، ۱۳۹۰؛ دانتی، ۱۳۹۶؛ طلایی، ۱۳۸۵، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹؛ Hamlin, 1974; Muscarella, 1966, 1994; Brown, 1951; Dyson, 1967; Edwards, 1981, 1983; Rubinson, 2004).

اما گاه‌نگاری دوران مفرغ جنوب‌خاوری فلات ایران یا حوزهٔ تمدن ماوراء‌عیلام از اواخر هزارهٔ چهارم تا اواسط هزارهٔ دوم پیش از میلاد را دربرمی‌گیرد که خود به سه دورهٔ مفرغ کهن، مفرغ میانی و مفرغ پایانی تقسیم شده است. پنج کاوشگاه کلیدی منطقهٔ جنوب‌خاوری که در این پژوهش واکاوی شده، عبارت است از: بمپور و شهرسوخته در استان

سیستان و بلوچستان، و جیرفت، شهداد و یحیی در استان کرمان. سفالینه‌های یافت‌شده از کاوشگاه‌های یادشده عموماً از گونه‌ی نخودی است که در رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای، پرتقالی، نخودی مایل به سبز، خاکستری و سیاه نیز به دست آمده است؛ این سفالینه‌های چرخ‌ساز، در حرارت کافی و در شرایط کنترل‌شده پخته شده است. خمیره آن‌ها به خوبی ورز آمده و در ترکیب با تمپر شن، کاه، ذرات میکا و گاه دانه‌های ریز سفید در ساخت ظروف به کار رفته است. بدنه ظریف، نیمه‌ظریف، نیمه‌خشن و خشن است و پرداخت در قالب تکنیک دست مرطوب، نقاشی پیش از پختن در کوره و داغ‌دار کردن انجام شده است. تعدادی نمونه دست‌ساز (به شیوه فتیله‌ای) نیز در میان یافته‌ها به چشم می‌خورد. سفالینه‌ها در اشکال خمره، کاسه، کوزه، سبو، فنجان، جام، بشقاب، درپوش، تشت، دیگ، سینی، آبکش، قمقمه، تنگ کشیده فلاسک شکل، قوری، پیه‌سوز، لاوک، بزکدان مکعبی شکل ساخته شده‌اند (تصویر ۳).

نقوش را با رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای، نارنجی، صورتی، سفید، خاکستری و سیاه روی زمینه بدون پوشش و گاهی با پوشش سفید، کرم‌رنگ، نخودی، قرمز، ارغوانی، نارنجی، قهوه‌ای، خاکستری و سبز سفالینه‌ها و در چهار گونه هندسی، گیاهی، جانوری و طبیعی نقاشی کرده‌اند. رایج‌ترین گونه‌های نقش‌مایه‌های هندسی در جدول ۲ آمده است. نقوش روی



تصویر ۲. گزیده‌ای از سفالینه‌های دوران مفرغ شمال باختری ایران: الف- کاسه گوی تپه. مأخذ: طلائی، ۱۳۸۵، ۷۷؛ Brown, 1951, 84؛ ب- لیوان هفتون تپه. مأخذ: Ed-wards, 1981, 117؛ پ- کاسه گوی تپه مأخذ: طلائی، ۱۳۸۵، ۷۷؛ Brown, 1951, 74؛ ت- دیگ دینخواه تپه. مأخذ: Rubinson, 2004, 204؛ ث- سبوی دینخواه تپه. مأخذ: موزه ارومیه؛ ج- سبوی حسنلو. مأخذ: اثر شماره ۲۸۴۲ موزه ملی ایران؛ چ- سبوی دینخواه تپه. مأخذ: طلائی، ۱۳۸۵، ۷۵؛ ح- سبوی هفتون تپه. مأخذ: طلائی، ۱۳۸۵، ۸۰؛ Edwards, 1981, 120؛ خ- سبوی حسنلو. مأخذ: اثر شماره ۴۶۰۸ موزه ملی ایران.

جدول ۱. توصیف عمومی سفالینه‌های دوران مفرغ شمال باختری ایران. مأخذ: نگارندگان.

گونه‌بندی	توضیحات
خط	ساده افقی و عمودی، موج افقی و عمودی، موج بین خطوط ساده، زیگزاگی افقی و عمودی؛ نوارهایی با هاشورهای متقاطع
مثلث	توخالی، توپُر، هاشورخورده، آویزان سیاه و توپُر، آویزان پُر شده با خطوط افقی موج، آویزان پُر شده با هاشور متقاطع یا زیگزاگ، دوکمانند با هاشورهای متقاطع
هندسی	متحدالمرکز نقطه‌گذاری، چرخ‌مانند، نیم‌دایره‌های آویزان از لبه
لوزی	با هاشورهای متقاطع
نقطه‌گذاری	ردیفی و ممتد، نقاط سفید رنگ روی نوار سیاه، سیاه توزیع شده روی بدنه طرف، نوار پهن نقطه‌گذاری موازی مورب و متقاطع
ویژه	شطرنجی، نردبانی، ساعت شنی، چلیپای شکسته، مربع
گیاهی	شاخ و برگ، فستون (ریسه- نوارهای موج آویزان از لبه)
چهارپای علف‌چر	شاخ‌دار (گوزن)، اسب‌سان، نقش اربابه‌ای که ظاهراً دو اسب آن را می‌کشد.
درنده	یوزپلنگ
جانوری	نزاع جانور درنده با اسب‌سان
	پرنندگان
	موجودات حشره‌مانند
انسانی	صحنه‌های شکار با تیر

سطح بیرونی ظرف، عمدتاً در قسمت یک‌سوم یا نیمه بالایی ظرف، و سطح داخلی کاسه‌ها نقاشی شده‌اند (حاکمی، ۱۳۸۵؛ سیدسجادی، ۱۳۸۶، ۱۳۹۸ الف، ۱۳۹۸ ب و ۱۴۰۰؛ کارلوفسکی و وایت، ۱۳۸۸؛ مجیدزاده، ۱۳۸۳، ۱۳۹۹، ج. ۳؛ موگاورو، ۱۳۹۸؛ De Cardi, 1970؛ Karlovsky & Potts, 2001).

بحث

برای ارائه شواهدی پیرامون تشابهات فرهنگی-اجتماعی مناطق مورد مطالعه، از هر منطقه تعداد ۱۰ نقش‌مایه از گونه‌های گیاهی، جانوری، انسانی و طبیعی و تعداد ۴۰ نقش‌مایه از گونه هندسی انتخاب و در قالب **جدول ۳** تا ۶ تنظیم و با یکدیگر مقایسه شده است. برای نقش‌مایه‌های گونه‌های گیاهی، جانوری، انسانی و طبیعی ارزیابی کاملی قابل ارائه نخواهد بود، چراکه پیچیدگی جغرافیایی و تنوع اقلیمی، به شکل‌گیری گونه‌گونی قابل ملاحظه‌ای در گیاهان (حیات گیاهی) و زیباگان (حیات جانوری) هر یک از مناطق انجامیده است.

نقش‌مایه‌های هندسی بیشتر برخاسته از ذهن انسان است و از آنجاکه ذهن همیشه با مسائل مشابهی روبرو نیست، در نقش‌مایه‌های هندسی شاهد گوناگونی و البته فراوانی بیشتری هستیم. با مقایسه و تطابق نقش‌مایه‌های هندسی



تصویر ۳. گزیده‌ای از سفالینه‌های دوران مفرغ جنوب‌خاوری ایران: الف- خمره شبه‌اوروکی تل یحیی. مأخذ: Karlovsky & Potts, 2001, 43؛ ب- خمره درپوش‌دار شهداد. مأخذ: حاکمی، ۱۳۸۵، ۷۰۱؛ پ- کاسه بمپور. مأخذ: De Cardi, 1970, 280؛ سیدسجادی، ۱۳۹۸ الف، ۱۹۰؛ ت- جام پایه‌دار جیرفت. مأخذ: مجیدزاده، ۱۳۹۹، ج. ۳؛ ث- سبوی بمپور. مأخذ: De Cardi, 1970, 293؛ سیدسجادی، ۱۳۹۸ الف، ۱۹۶؛ ج- سبوی شهرسوخته. مأخذ: اثر شماره ۷۴۷۶ موزه ملی ایران؛ چ- سبوی شهرسوخته. مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۸۶، ۲۴۳؛ ح- لیوان جیرفت. مأخذ: مجیدزاده، ۱۳۹۹، ج. ۳، ۳۸۵؛ خ- سبوی شهداد. مأخذ: حاکمی، ۱۳۸۵، ۶۹۹.

جدول ۲. توصیف عمومی سفالینه‌های دوران مفرغ جنوب‌خاوری ایران. مأخذ: نگارندگان.

گونه‌بندی	توضیحات
خط	مستقیم موازی افقی یا عمودی، مناندر، متقاطع؛ زیگزاگی موازی افقی یا عمودی
مثلث	با اضلاع منحنی و صاف، توپُر، هاشورخورده، مشبک، از قاعده آویزان، متوازی‌الاضلاع متقارن و معکوس
دایره	نیم‌دایره‌های آویزان از لبه، نقاط بین خطوط ساده افقی، نیم دایره‌های متقاطع و تماس بر دو خط موازی و پایین
هندسی	لوزی
نقطه‌گذاری	توپُر، توخالی، هاشورخورده، مشبک، تقسیم‌شده به چهار لوزی کوچک‌تر، با اضلاع منحنی
ویژه	ردیفی و ممتد، سیاه توزیع شده روی بدنه ظرف ساعت شنی، شطرنجی، پلکانی، نردبانی، کنگره‌ای، سیگما، اسپیرال، چلیپای شکسته، فرفره‌ای، جناقی، دندان‌موشی، شانه‌ای، حصیری، قرقره‌ای، M مانند، هلالی هاشورخورده
گیاهی	درخت نخل، برگ درخت انجیر، گیاهان آبی، گل‌های چند گلبرگی
چهارپای علف‌چر	شاخ‌دار (بزسانان و گاو کوهان‌دار- زیبو)
درنده	یوزپلنگ
خزنده	مار و عقرب
جانوری	پرندگان موجودات حشره‌مانند
طبیعت	آبزیان خورشید و ستارگان

ارائه شده در جداول ۳ و ۴ مشاهده می‌شود که از مجموع ۴۰ نقشمایه منتخب از هر منطقه، تعداد ۱۷ نقش (۴۲/۵٪) چهار مورد (۲۳/۵٪) با یکدیگر هم‌افق است. دارای همانندی و مشابهت است و از این ۱۷ نقش مشابه،



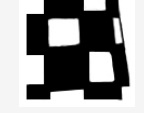

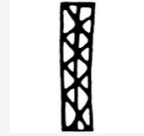

جدول ۳. نقش‌مایه‌های بومی گیاهی، جانوری، انسانی و طبیعی دوران مفرغ پهنه شمال‌باختری ایران. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	کاووشگاه	نمونه نقش‌مایه	طبقه‌بندی نقش‌مایه	توصیف نقش‌مایه	قدمت نمونه شمال‌باختری (پ.م.)	اشتراک نقش‌مایه با جنوب‌خاوری	قدمت نمونه جنوب‌خاوری (پ.م.)
۱	حسنلو		جانوری (پرنده رام)	ردیف پرندگان (در حالت شاخص سُریدن)	۲۰۰۰-۳۰۰۰	×	۲۰۰۰-۲۸۰۰
۲	دینخواه		جانوری (پرنده رام)	ردیف پرندگان	۱۴۰۰-۱۷۰۰	×	۲۰۰۰-۲۸۰۰
۳	گوئی‌تپه		جانوری (سَم‌دار - علف‌چَر)	گوزن	۱۵۰۰-۲۰۰۰	×	۱۹۰۰-۲۳۰۰
۴	هفتوان		گیاهی	شاخ و برگ	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-
۵	هفتوان		جانوری (پرنده رام)	ردیف پرندگان	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	×	۲۰۰۰-۲۸۰۰
۶	هفتوان		جانوری (درنده)	یوزپلنگ	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	×	۲۱۰۰-۲۴۰۰
۷	هفتوان		جانوری (سَم‌دار - علف‌چَر)	احتمالاً اسب‌سان	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	×	۲۳۰۰-۲۸۸۰
۸	هفتوان		جانوری	نزاغ جانور درنده و اسب	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-
۹	هفتوان		انسانی	انسان و جانور (احتمالاً گربه‌سان)	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-
۱۰	هفتوان		انسانی	انسان یا پیکانی در دست	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-

جدول ۴. نقش‌مایه‌های بومی گیاهی، جانوری، انسانی و طبیعی دوران مفرغ پهنه جنوب‌خاوری ایران. مأخذ: نگارندگان.











ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش‌مایه	گونه نقش‌مایه	توصیف نقش‌مایه	قدمت نمونه جنوب‌خاوری (پ.م)	اشتراک نقش‌مایه با شمال باختری	قدمت نمونه شمال‌باختری (پ.م)
۱	بمپور		جانوری	عقرب	۱۹۰۰-۲۳۰۰	-	-
۲	بمپور		جانوری (سُمدار - علف‌چَر)	بز و نخل	۱۹۰۰-۲۳۰۰	x	۱۵۰۰-۲۰۰۰
۳	جیرفت		جانوری (سُمدار - علف‌چَر)	بز با سر برگشته به عقب	۲۳۰۰-۲۸۸۰	x	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰
۴	شهر سوخته		جانوری (پرنده رام)	ردیف پرندگان	۲۰۰۰-۲۸۰۰	x	۲۰۰۰-۳۰۰۰
۵	شهر سوخته		طبیعی ترکیبی	برگ و ماهی هاشورخورده	۲۰۰۰-۲۸۰۰	-	-
۶	شهداد		جانوری (سُمدار - علف‌چَر)	بز و نخل و خطوط موج	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	۱۵۰۰-۲۰۰۰
۷	شهداد		گیاهی	گل چهارپَر	۱۹۰۰-۲۵۰۰	-	-
۸	شهداد		طبیعی	خورشید	۱۹۰۰-۲۵۰۰	-	-
۹	یحیی		جانوری	مار چنبره‌زده	۲۷۰۰-۳۰۰۰	-	-
۱۰	یحیی		جانوری (درنده)	یوزپلنگ	۲۱۰۰-۲۴۰۰	x	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰

جدول ۵. نقش‌مایه‌های مشترک دوران مفرغ پهنه شمال‌باختری با جنوب خاوری ایران. مأخذ: نگارندگان.







ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش‌مایه	طبقه‌بندی نقش‌مایه	توصیف نقش‌مایه	شمال‌باختری (پ.م)	جنوب‌خاوری (پ.م)	اشتراک نقش‌مایه	هم‌افق
۱	حسنلو		هندسی	ساعت شنی افقی / پاپیونی / تبر دو سر	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	x	-
۲	حسنلو		هندسی	خطوط مورب موازی و متقاطع	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۳	حسنلو		هندسی	خطوط ساده موازی و افقی	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۷۰۰-۳۰۰۰	x	-
۴	حسنلو		هندسی	اشکال نامشخص	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۵	حسنلو		هندسی	مثلث هاشورخورده شبکه‌ای	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۴۰۰-۲۸۰۰	x	-
۶	حسنلو		هندسی	شطرنجی با دایره سیاه در مربع سفید	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۷	دینخواه		هندسی	شطرنجی	۲۰۰۰-۳۰۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	x	x
۸	دینخواه		هندسی	خط موج میان خطوط ساده موازی افقی	۲۰۰۰-۳۰۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	x
۹	دینخواه		هندسی	خطوط زیگزاگی میان خطوط صاف عمودی	۲۰۰۰-۳۰۰۰	-	-	-
۱۰	دینخواه		هندسی	ردیف افقی مثلث‌های متنوع	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-

ادامهٔ جدول ۵.

ردیف	کاوشگاه	نمونهٔ نقش مایه	طبقه‌بندی نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم‌افق
۱۱	دینخواه		هندسی	ردیف‌های افقی مثلث سیاه و سفید	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۱۹۰۰-۲۳۰۰	×	-
۱۲	دینخواه		هندسی	مربع‌های متحدالمرکز	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۱۳	دینخواه		هندسی	دایره‌های متحدالمرکز	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	×	-
۱۴	دینخواه		هندسی	جناق‌ای	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۱۰۰-۲۴۰۰	×	-
۱۵	دینخواه		هندسی	چرخ‌مانند	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۱۶	دینخواه		هندسی	حصیری	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۱۷	دینخواه		هندسی	خطوط صاف زاویه‌دار با فرم نامشخص	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۱۸	دینخواه		هندسی	لوزی‌های گوناگون در یک مثلث	۱۴۰۰-۱۷۰۰	-	-	-
۱۹	گۆی تپه		هندسی	لوزی با طرح ترکیبی هاشور و نقطه‌گذاری	۲۰۰۰-۲۵۰۰	-	-	-
۲۰	گۆی تپه		هندسی	نقاط سفید روی خطوط پهن سیاه	۲۰۰۰-۲۵۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	×	×
۲۱	گۆی تپه		هندسی	ترکیب خطوط صاف، موج و فستون	۲۰۰۰-۲۵۰۰	-	-	-
۲۲	گۆی تپه		هندسی	خطوط موج موازی	۲۰۰۰-۲۵۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	×	×
۲۳	گۆی تپه		هندسی	خطوط منحنی با فرم نامشخص	۲۰۰۰-۲۵۰۰	-	-	-

ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش مایه	طبقه بندی نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم افق
۲۴	گوئی تپه		هندسی	لوزی های ردیفی سیاه	۲۰۰۰-۲۵۰۰	-	-	-
۲۵	گوئی تپه		هندسی	مثلث های توپر چسبیده به هم با قاعده عمودی	۱۵۰۰-۲۰۰۰	-	-	-
۲۶	گوئی تپه		هندسی	پایونی توخالی به شیوه نقطه گذاری	۱۵۰۰-۲۰۰۰	-	-	-
۲۷	گوئی تپه		هندسی	مثلث های توپر ردیفی افقی	۱۵۰۰-۲۰۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	x	-
۲۸	گوئی تپه		هندسی	نردبانی	۱۲۰۰-۱۵۰۰	۱۹۰۰-۲۳۰۰	x	-
۲۹	گوئی تپه		هندسی	مثلث های روبروی هم با نقطه در مرکز	۱۲۰۰-۱۵۰۰	-	-	-
۳۰	گوئی تپه		هندسی	شبکه لوزی های توخالی	۱۲۰۰-۱۵۰۰	-	-	-
۳۱	هفتوان		هندسی	خطوط مورب موازی افقی	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-	-
۳۲	هفتوان		هندسی	لوزی سفید در مرکز لوزی بزرگ تر و سیاه	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-	-
۳۳	هفتوان		هندسی	فستون (ریسه) با یک خط موج در وسط	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-	-
۳۴	هفتوان		هندسی	مثلث های تودرتو با اضلاع نسبتاً موازی و قاعده مشترک	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	-

ادامه جدول ۵.

ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش مایه	طبقه بندی نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم افق
۳۵	هفتوان		هندسی	نوار نقطه گذاری در میان دو نوار باریک و تیره	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۷۰۰-۳۰۰۰	x	-
۳۶	هفتوان		هندسی	لوزی نقطه گذاری در زمینه نقطه گذاری	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-	-
۳۷	هفتوان		هندسی	چلیپای شکسته	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	x	-
۳۸	هفتوان		هندسی	شطرنجی سیاه و سفید و نقطه گذاری	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	-	-	-
۳۹	هفتوان		هندسی	لوزی تقسیم شده به ۹ لوزی کوچک تر	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۴۰۰-۲۸۰۰	x	-
۴۰	هفتوان		هندسی	مثلث های توپر و کشیده و آویزان	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	-





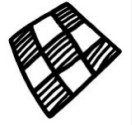

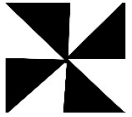


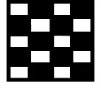



جدول ۶. نقش مایه های مشترک دوران مفرغ پهنه جنوب خاوری با شمال باختری ایران. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش مایه	گونه نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم افق
۱	بمپور		هندسی	شطرنجی سفید و سیاه مشبک	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۲	بمپور		هندسی	کنگره ای	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۳	بمپور		هندسی	زیگزاگی افقی موازی	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۴	بمپور		هندسی	پلکانی	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۵	بمپور		هندسی	مئاندر افقی	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-

ادامه جدول ۶.

ردیف	کاشیگاه	نمونه نقش مایه	گونه نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم افق
۶	بمپور		هندسی	لوزی‌های هاشور خورده ردیفی افقی	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۷	بمپور		هندسی	ساعت شنی مشبک عمودی	-	۲۳۰۰-۲۸۰۰	-	-
۸	بمپور		هندسی	نردبانی	۱۲۰۰-۱۵۰۰	۱۹۰۰-۲۳۰۰	×	-
۹	بمپور		هندسی	ردیف‌های افقی مثلث سیاه و سفید	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۱۹۰۰-۲۳۰۰	×	-
۱۰	جیرفت		هندسی	لوزی با اضلاع منحنی	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۱	جیرفت		هندسی	دوایر متحدالمركز	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	×	-
۱۲	جیرفت		هندسی	زیگزاگ‌های موازی عمودی	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۳	جیرفت		هندسی	خطوط موج و هاشور خورده درهم تنیده	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۴	جیرفت		هندسی	مثلث‌های هاشور خورده ردیفی عمودی	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۵	جیرفت		هندسی	مثلث سیاه ردیفی افقی	۱۵۰۰-۲۰۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	×	-
۱۶	جیرفت		هندسی	لوزی‌های مشبک ردیفی عمودی	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۷	جیرفت		هندسی	نقاط سفید روی خطوط پهن سیاه	۲۰۰۰-۲۵۰۰	۲۳۰۰-۲۸۸۰	×	×

ادامه جدول ۶

ردیف	کاشیگاه	نمونه نقش مایه	گونه نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم‌افق
۱۸	جیرفت		هندسی	دندان موشی	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۱۹	جیرفت		هندسی	شانه‌ای	-	۲۳۰۰-۲۸۸۰	-	-
۲۰	شهر سوخته		هندسی	مثلث با هاشورهای متقاطع	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۴۰۰-۲۸۰۰	×	-
۲۱	شهر سوخته		هندسی	لوزی‌های توپُر ردیفی عمودی	-	۲۴۰۰-۲۸۰۰	-	-
۲۲	شهر سوخته		هندسی	لوزی تقسیم‌شده به ۹ لوزی کوچک‌تر	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۴۰۰-۲۸۰۰	×	-
۲۳	شهر سوخته		هندسی	چلیپای شکسته	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	×	-
۲۴	شهر سوخته		هندسی	فرفره‌ای	-	۲۰۰۰-۲۸۰۰	-	-
۲۵	شهر سوخته		هندسی	لوزی توپُر ردیفی افقی	-	۲۰۰۰-۲۸۰۰	-	-
۲۶	شهر سوخته		هندسی	ساعت شنی / پاپیونی / تیر دوسر افقی	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	×	-
۲۷	شهر سوخته		هندسی	شطرنجی	۲۰۰۰-۳۰۰۰	۲۰۰۰-۲۸۰۰	×	×
۲۸	شهر سوخته		هندسی	نیم‌دایره‌های چسبیده به خط صاف افقی	-	۲۰۰۰-۲۸۰۰	-	-
۲۹	شهداد		هندسی	خط مواج میان خطوط ساده موازی افقی	۲۰۰۰-۳۰۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	×	×
۳۰	شهداد		هندسی	مثلث‌های توپُر و کشیده و آویزان	۱۹۰۰-۱۴۵۰/۱۴۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	×	-

ردیف	کاوشگاه	نمونه نقش مایه	گونه نقش مایه	توصیف نقش مایه	شمال باختری (پ.م)	جنوب خاوری (پ.م)	اشتراک نقش مایه	هم افق
۳۱	شهداد		هندسی	چهار گوش های هاشور خورده متصل از گوشه	-	۱۹۰۰-۲۵۰۰	-	-
۳۲	شهداد		هندسی	مثلث های هاشور خورده ردیفی عمودی	-	۱۹۰۰-۲۵۰۰	-	-
۳۳	شهداد		هندسی	مثلث های تودرتو با اضلاع نسبتا موازی و قاعده مشترک	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	-
۳۴	شهداد		هندسی	خطوط موج موازی افقی	۲۰۰۰-۲۵۰۰	۱۹۰۰-۲۵۰۰	x	x
۳۵	یحیی		هندسی	ساعت شنی / پاپیونی عمودی	-	۲۷۰۰-۳۰۰۰	-	-
۳۶	یحیی		هندسی	نوار نقطه گذاری در میان دو نوار باریک و تیره	-۱۹۰۰ ۱۴۵۰/۱۴۰۰	۲۷۰۰-۳۰۰۰	x	-
۳۷	یحیی		هندسی	خطوط ساده موازی افقی	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۷۰۰-۳۰۰۰	x	-
۳۸	یحیی		هندسی	جناقلی	۱۴۰۰-۱۷۰۰	۲۱۰۰-۲۴۰۰	x	-
۳۹	یحیی		هندسی	مثلث های وارونه ردیفی عمودی	-	۲۱۰۰-۲۴۰۰	-	-
۴۰	یحیی		هندسی	مثلث های هاشور خورده بالا و پایین	-	۲۱۰۰-۲۴۰۰ م.پ	-	-

نتیجه گیری

آنچه که در یک جمع‌بندی کلی مشاهده می‌شود، ویژگی‌های مشترک شماری از نقوش بر سفالینه‌های هر دو منطقه است که به نظر می‌رسد از الگویی یکسان پیروی می‌کند. این ویژگی‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

نقش‌مایه‌ها عموماً به‌تنهایی روی سفالینه نقاشی نشده بلکه همیشه در ترکیب با نقش‌مایه‌های دیگر، نقشی کامل را پدید آورده و ترسیم نقش‌مایه‌های مشابه که به صورت افقی یا عمودی به دنبال هم ردیف شده، در هر دو منطقه رایج بوده است. البته نقش‌مایه‌های هندسی تقریباً در تمامی نمونه‌ها دیده می‌شود؛ چه در ترکیب با یکدیگر و چه در ترکیب با نقش‌مایه‌های گیاهی، جانوری و طبیعی. همچنین، نقش‌مایه‌های مثلثی، در هر دو منطقه بسیار رایج بوده و در حالت‌ها و اندازه‌های گوناگون ترسیم شده است. نقش‌مایه‌ها معمولاً در میان خطوط محدودکننده تکی یا چندتایی افقی و موازی (گاهی به‌صورت نوارهای تزیینی)، که در مواردی با خطوط عمودی نیز همراه شده و نوعی قاب یا پنل را به وجود آورده، و گاه در داخل دایره‌های محدودکننده متحدالمرکز قرار گرفته است. گفتنی است نقش‌مایه‌ها روی سطح بیرونی سفالینه‌ها، عمدتاً در قسمت یک‌سوم یا نیمه بالایی، ترسیم شده است و در سطوح داخلی کاسه‌های کوچک و بشقاب‌ها، نقش‌مایه‌ها از مرکز شروع و به سمت لبه امتدا یافته و سراسر سطح را پُر کرده است. وانگهی وجود نقش‌مایه‌های گونه‌های گیاهی، جانوری - در مواردی انسانی و طبیعی - و خلق صحنه‌های رئالیستی و طبیعت‌گرایانه، بیانگر توجه و پرداختن هنرمند به این عناصر است و از شناخت و درک ارتباط تنگاتنگ و الزامی جامعه انسانی با طبیعت پیرامون از سوی هنرمندان هر دو منطقه حکایت دارد. همچنین شایان ذکر است که موجودات هیبریدی، وهم‌آلود و اساطیری در میان نقش‌مایه‌های هیچ یک از دو منطقه بررسی شده به چشم نمی‌خورد.

بر این اساس، موارد ذکرشده را که می‌شود در چارچوب ساختارگرایی فرهنگی لوی‌اشتروس از آن‌ها با عنوان «ساختار» یاد کرد، می‌توان دلایلی بر وجود الگوهای مشترک ذهنی بین ساکنان دوران مفرغ این دو پهنه جغرافیایی متفاوت و دور از هم دانست. از منظر لوی‌اشتروس آنچه که نسبت به خود عناصر از اهمیت بیشتری برخوردار است، روابط بین آن‌هاست که علی‌رغم قابلیت تغییر درونی، ثابت باقی می‌ماند. بر همین مبنا، رواسانی که برای «شرق» یک مفهوم فرهنگی قائل است، اعتقاد دارد که جامعه بزرگ شرق، نتیجه پیوستگی و درهم‌تنیدگی قومی و فرهنگی تمام گروه‌های انسانی است که با وجود تفاوت‌ها، در یک

گذشته مشترک قومی و فرهنگی چندهزارساله با یکدیگر درآمیخته‌اند و گذشته هر یک از آن‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ مشترک جامعه بزرگ شرق است. از نظر او وجود شرایط اقلیمی گوناگون و به تبع آن، ناهم‌زمانی رشد فنون و تمدن در همه سرزمین‌های جامعه بزرگ شرق نمی‌تواند نشانه و یا دلیل جدایی فرهنگی و قومی باشد. در نتیجه:

پنداره وجود پیوندهای فرهنگی-اجتماعی میان مناطق شمال باختری و جنوب‌خاوری فلات ایران به دلیل یافت‌نشدن شواهد باستان‌شناختی دال بر وجود چنین روابط و پیوندهایی میان دو منطقه و همچنین وجود دو بافت متمایز در این مناطق در نتیجه بُعد مسافت و شرایط جغرافیایی و اقلیمی متفاوت، در حال حاضر قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ با این همه، تشابهاتی شایان توجه در نقش‌مایه‌های سفالینه‌های نقاشی‌شده آن‌ها به چشم می‌خورد و این تشابهات عین به عین ۴۲/۵ درصد، صرفاً می‌تواند تفسیری ساختارگرایانه داشته باشد. همچنین فراوانی پایین نمونه‌های مشابه هم‌افق (۲۳/۵ درصد)، وزن تفسیر ساختارگرایانه را سنگین‌تر می‌کند و بر وجود الگوهای مشترک ذهنی بین اجتماعات دوران مفرغ فلات ایران در این دو پهنه جغرافیایی متفاوت و دور از هم دلالت دارد. در نتیجه، صحت و درستی این فرضیه که ناظر بر همانندی نقش‌مایه‌های سنت سفالگری دوران مفرغ در سرزمین‌های شمال‌باختری و جنوب‌خاوری فلات ایران براساس نظریه ساختارگرایی لوی‌اشتروس و با دلالت بر وجود ساختارهای مشابه در دو جغرافیای متفاوت اما در بستر جامعه بزرگ شرق است، بیشتر موجه به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام. (۱۳۹۱). دوره مفرغ پایانی و سنت سفالگری ارومیه، هزاره دوم قبل از میلاد. علی مصیب‌زاده و جواد شریف‌نژاد (ویرایش)، مجموعه مقالات برگزیده همایش هم‌اندیشی شهر ایرانی شهر تاریخی، فرهنگی و مذهبی ارومیه (۱۲-۱). ارومیه: اندیشه سهیل.
- برنی، چارلز. (۱۳۹۰). باستان‌شناسی آذربایجان ۲: یانیق‌تپه (ترجمه صمد علیون). تبریز: نشر اختر.
- حاکمی، علی. (۱۳۸۵). گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد، دشت لوت. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دانتی، مایکل. (۱۳۹۶). آذربایجان در گذار از عصر مفرغ به عصر آهن. (ترجمه صمد علیون). تبریز: پروژه ترجمه حسنلو.
- دانتی، مایکل؛ ویت، ماری‌ماتیلدا و دایسون، رابرت هنری. (۱۳۹۱). جستجوی مرحله گذار از مس-سنگی به مفرغ قدیم در دره‌های سلدوز و اشنویه، مجموعه مقالات سفال‌های حسنلو. (ترجمه صمد علیون و علی صدراپی). تبریز: پروژه ترجمه حسنلو.

شهرسوخته: هنر و باستان‌شناسی حوزه دلتای رودخانه هیرمند از آغاز تا دوره تیموری (جلد اول، ۴۱۸-۴۰۵) (ترجمه سید منصور سید سجادی). تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی.

- Brown, T. B. (1951). *Excavations in Azerbaijan, 1948*. London: J. Murray.
- De Cardi, B. (1970). *Excavations at Bampur, A Third Millennium Settlement in Persian Baluchistan, 1966*. New York: American Museum of Natural History.
- Dyson, R. H. J. (1967). Excavations at Dinkha Tepe, 1966. *IRAN*, (5), 136-137.
- Edwards, M. R. (1981). The pottery of Haftavan VIB Urmia ware. *IRAN*, (19), 101-140.
- Edwards, M. R. (1983). *Excavations in Azerbaijan (North-western Iran)*, 1: Haftavan, Period VI. Oxford: BAR International Series 182.
- Hamlin, C. (1974). The early second millennium ceramic assemblage of Dinkha Tepe. *IRAN*, (12), 125-153.
- Karlovsky, C. C. L. & Potts, D. T. (2001). *Excavations at Tepe Yahya, Iran 1967-1975, The Third Millennium*. Cambridge, Massachusetts: Peabody Museum of Archaeology & Ethnology, Harvard University Press.
- Lévi-Strauss, C. (1963). *Structural Anthropology* (C. Jacobson, Tarns.). New York: Basic Books.
- Muscarella, O. W. (1994). Denka (Dinkha) Tepe. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopedia Iranica* (7, 283-284). New York: Colombia University.
- Muscarella, O. W. (1966). Excavations at Dinkha Tepe. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin, New Series*, 27 (3), 187-196.
- Perkins, A. L. (1977). *The Comparative Archaeology of Early Mesopotamia*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Rubinson, K. S. (2004). Dinkha Tepe, Iran, and So-called Urmia Ware. In A. Sagona (Ed.), *A View from the Highlands*. Archaeological Studies in Honor of Charles Burney. Leuven: Peeters.

- رواسانی، شاپور. (۱۳۷۰). جامعه بزرگ شرق. تهران: شمع.
- سیدسجادی، سیدمنصور. (۱۳۸۶). گزارش‌های شهرسوخته ۱: کاوش در گورستان ۱۳۷۹-۱۳۷۶. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سیدسجادی، سید منصور. (۱۳۹۸ الف). هشت گفتار درباره باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان. تهران: مؤسسه آبی پارسی و انتشارات پل فیروزه.
- سیدسجادی، سید منصور. (۱۳۹۸ ب). شهرسوخته: هنر و باستان‌شناسی حوزه دلتای رودخانه هیرمند از آغاز تا دوره تیموری. ج. ۱. تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیدسجادی، سید منصور. (۱۴۰۰). سفال شهرسوخته. هالی پیتمن و سجاد علی‌بیگی (ویرایش)، سپهر مجد؛ باستان‌شناسی دنیای ایرانی و سرزمین‌های پیرامون: جشن‌نامه دکتر یوسف مجیدزاده (۲۹۴-۲۵۵). تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- طلایی، حسن. (۱۳۸۵). عصر مفرغ ایران. تهران: سمت.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۷). هشت هزار سال سفال ایران. تهران: سمت.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۹). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. تهران: سمت.
- کارلوفسکی، لمبرگ و وایت، توماس بیل. (۱۳۸۸). آغاز و شکوفایی فرهنگ و تمدن در جنوب شرق ایران. جلد اول: حوزه دره صوغان-کرمان، فرهنگ یحیی: دوران آغازین (ترجمه غلام‌علی شاملو). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۳). مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل: جیرفت. کرمان: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان کرمان.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۹۹). باستان‌شناسی حوزه هلیل رود: جیرفت، جلد سوم: سفال. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- موگاورو، لوردانا. (۱۳۹۸). سفال رنگارنگ: سفال زنانه،

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 آقابابایی، مژگان و آجورلو، بهرام. (۱۴۰۳). مقدمه‌ای بر پیوندهای فرهنگی-اجتماعی شمال‌باختری و جنوب‌خاوری فلات ایران دوران مفرغ؛ مطالعه موردی سفالینه‌های منقوش. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۲(۴۳)، ۶۷-۵۲.

DOI: 10.22034/jaco.2024.416966.1351

URL: https://www.jaco-sj.com/article_193034.html

